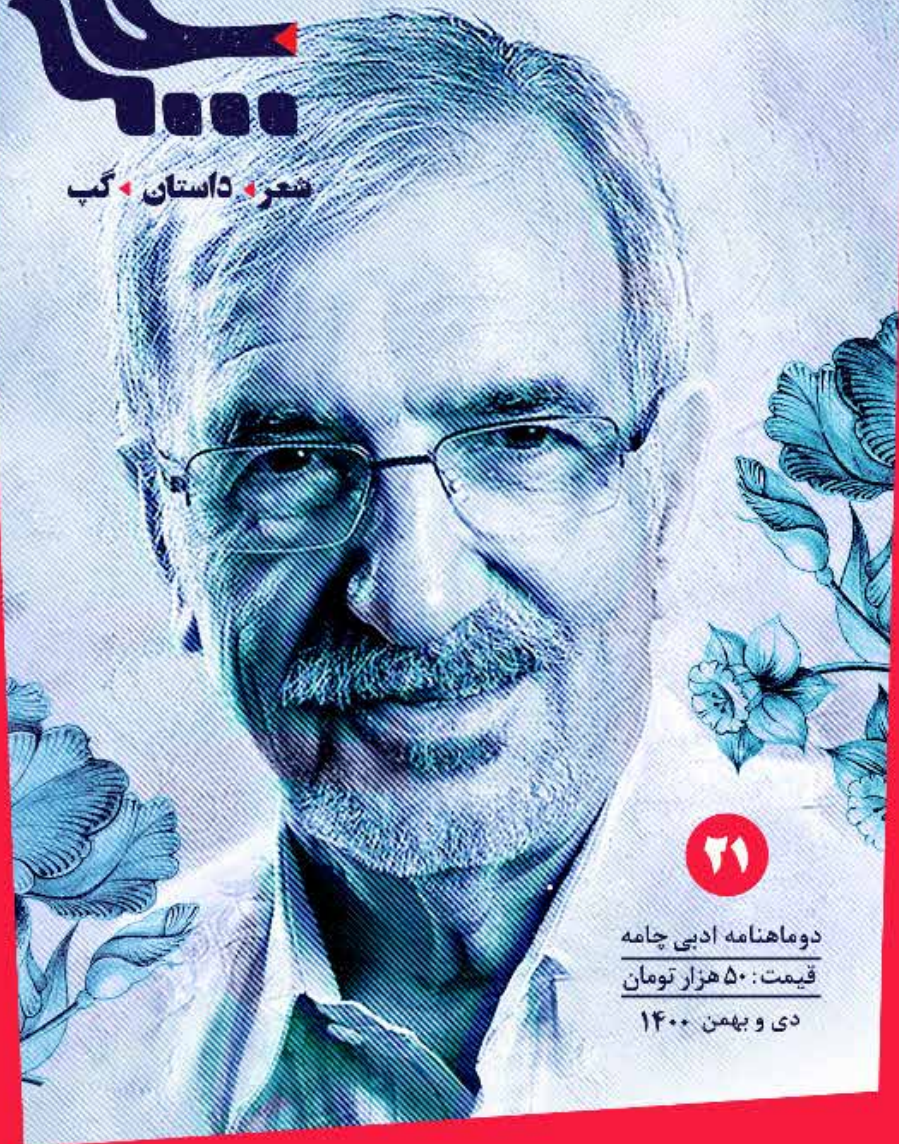


چشمه

شعر، داستان، گپ



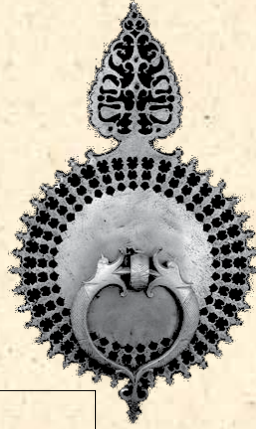
۲۱

دوماهنامه ادبی چشمه

قیمت: ۵۰ هزار تومان

دی و بهمن ۱۴۰۰

C H A M E H



چامه شماره ۲۱

صاحب امتیاز و مدیر: **محمدصادق رحمانیان**
شماره تلفن: ۰۹۱۲۱۴۸۶۹۶۱

دبیر شعر: ضیاء الدین خالقی
دبیر داستان: محمد جواد جزینی
مدیر اجرایی: محمد اسماعیل حق پرست
روابط عمومی و اشتراک: زهرا منتظری
مدیر هنری: ابوذر ابراهیم
گرافیک: پارسا رحمانیان
حروفچینی: راضیه آخوندی
فضای مجازی: پگاه رحمانیان
با سپاس از داوود ابراهیمی خنجی
شیدا شرقی و قدرت اله نیکبخت

نشانی: تهران، ستاری جنوبی، لاله شرقی، بنفشه نهم
کوچه ی یاس، پلاک ۲، واحد ۱۰، کد پستی: ۱۴۷۳۹۹۶۴۷۶

chameh۱۳۹۷@gmail.com
www.chamehmag.ir

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: عمران ۰۲۵۳۶۶۶۶۶۶۶
تهران و شهرستان: بخش چشمه: ۷۷۱۴۴۸۲۱ - ۷۷۱۴۴۸۰۸
دکه های تهران: نشرگستر امروز نوین ۰۲۱۵۴۰۸۱۰۰۰



پنجاه هزار تومان



شعر ◀ داستان ◀ گپ

c h a m e h



دوماهنامه ادبی چامه

سال چهارم، شماره بیست و یکم

دی و بهمن ۱۴۰۰



شعر زمان

داستان

آغاز

۶۵-۴۴

ابوالقاسم ایرانی
 فرزانه قوامی
 عظیمه صابری لنگرودی
 احمد قربانزاده
 عبدالرحیم سعیدی راد
 روح الله آبسالان
 محسن حسیخانی
 سایه درختیان
 حمید درختیان
 مجید عابدی
 سولماز نصر آبادی
 حامد صمیمی
 زهرا قیجاوند
 آرمان اسدی

۴۳-۱۸

سهیلا
 رضا سلطانی
 مرجان ظریفی
 الهام
 جوادی فرد
 عفت شبان آزاد

۱۵

صادق
 رحمانی

۱۴

اکبر اکسیر





ادبیات رومانی

۱۵۲-۱۸۳
 نیکیتا استانسکو
 محسن عمادی
آدلا چیرو
 سید حسین سادات
 میدانی
 الهام رحمانیان
 مسعود غفوری
کریستین تئو دورسک
 راحله بهادر
 دیانا باربو
 النا رودیکا ایله آ
آناستازیا
گاوریلو ویچی
 رادو وانکو
 سوتلانا کارستین
 دن کومان
 النا ولادارینو
کلادیو کومارتین



ترجمه

۱۲۶-۱۵۱
 عبدالرزاق قُرْنَح
 فرزدق اسدی
 د. حسین
 الهنداوی
محمد الامین
الکرخی
 مارینا تسوه تایوا
 ناصر بازیدی
صادق دارابی
 عبدالله حبیب
 لئون راس
 الیف شافاک
سامره عباسی
 ندارحمانی
 پدرام سعادت



ویژه نامه

۶۶-۱۲۵
 غلامعلی حداد عادل
 سیدعلی موسوی گرمارودی
 بهاءالدین خرمشاهی
رضا اسماعیلی
 یوسفعلی میرشکاک
 محمدحسین انصاری نژاد
 سیدعلی اکبر میرجعفری
موسی بیدج
 اسماعیل امینی
 حمیدرضا شکارسری
سید مهدی طباطبایی
 زهرا محدثی خراسانی
حسنا محمدزاده
 مصطفی محدثی خراسانی

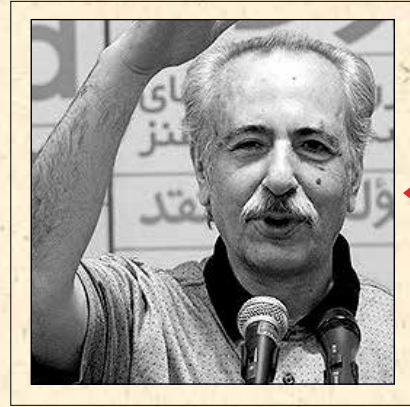




◀ ۵۱

عظیمہ صابری لنگرودی

شعر زمان



◀ ۷۰

بہاء الدین خرماہی

اخوانیہ



◀ ۱۵۲

نیکیتا اتانکو

شعر رومانی



◀ ۳۸

عفت شبان آزاد

داستان ایرانی



◀ ۸۸

کامران فانی

پرونده ویژه



◀ ۱۲۸

عبدالرزاق قرنج

خاطرات ادبی



◀ ۹۰

آرمان ادی

شعر زمان



◀ ۲۰

سپیدا رضافلحانی

داستان کوتاه



◀ ۵۰

فرزانه قوامی

شعر



◀ ۱۱۶

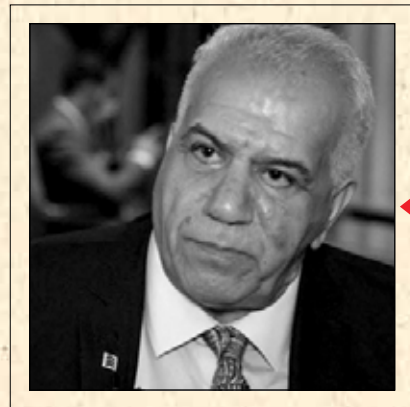
حنا محمدزاده

یادداشت



◀ ۱۷۴

داستان دیگران



◀ ۱۳۲

حسین هنداوی

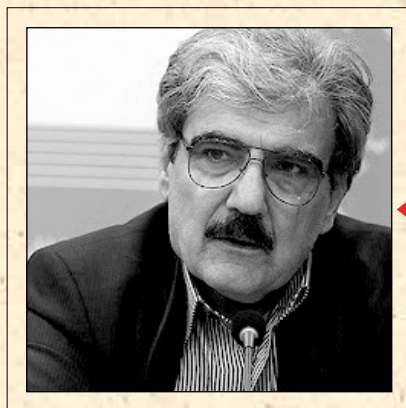
شعر همایه



◀ ۱۵۴

آدلا چيرو

گفت و گو



◀ ۹۶

هوسنی بیج

پرونده ویژه



◀ ۴۶

ابوالقاسم ایرانی

شعرپید



◀ ۲۴

هرجان فریزی

داستان

به وقت شعر از همیشه تا هنوز

| صادق رحمانی |

۲ فضای مجازی این امکان را در اختیار کاربران قرار داده است که در کوتاه‌ترین لحظه پس از سرودن شعر آن را در معرض دید و داوری خوانندگان قرار می‌دهد. این درحالی است که شعر و داستان کوتاه اگر در معرض نقد منصفانه قرار نگیرد، ارزش‌هایش هویدا نخواهد شد.

به همین دلیل است که کمتر شاعر نوآمده‌ای تاب و تحمل نقد و بررسی شعرهایش را دارد و اگر صاحب‌قلمی در معرفی و بررسی مجموعه شعری یادداشتی منتشر کند، چیزی جز کلماتی تعارف‌آمیز نخواهد شد.

چامه از همان آغاز شروع به فعالیتش قصد داشت که صفحاتی را به نقد اختصاص دهد، اما هر چه به دست ما رسید، رنگ و بویی از نقد شعر و داستان با خود به همراه نداشت.

زمانی منتقد‌های ما محمد حقوقی، منوچهر آتشی، رضا براهنی و علی باباچاهی بودند و امروز به نظر می‌رسد که هیچ منتقدی خود را برای معرفی و بررسی مجموعه شعری به در دسترنیندازد. بدین سبب ما در فضای مجازی با انبوه شعرها و داستان‌هایی مواجه هستیم که نگاه کارشناسی بدان افکنده نشده است.

ما در چامه سعی می‌کنیم که بهترین‌های شعر و داستان را در اختیار ذهن و نگاه خواننده

۱ شعر امروز را نمی‌توان با ترجمه، حضور پروپیمان رسانه‌ای و حتی جایزه‌های ادبی قضاوت کنیم، بلکه شعر را باید بر بنیاد ارزش شاعرانه‌اش داوری کرد. بنیادی که بر ساخت‌ها و بیان‌های زیبایی‌شناختی استوار است و اهل فن آن را به خوبی درک می‌کنند. شعر و داستان به تنهایی و بدون دریافت و فراگیری دانش‌های دیگر، معرفت عمیقی ایجاد نمی‌کند. گشودگی ذهن و زبان به سمت افق‌های دیگر، بهره‌گیری از انواع مختلف نوشته‌های خلاقانه کهن، باعث می‌شود نویسنده در فرایند خلق اثر پرتلاش ظاهر شود و این یک عرق‌ریزی دائمی را طلب می‌کند.

شعر با تاریخ در تقابل است، و دیدگاه شاعر از هستی و حتی نیستی در این ضدیت نهفته است. شعر در زبان فارسی، همیشه با افقی برای تغییر روبه‌رو بوده است، زیرا شعر مسیر است و شاعر در پی کشف افق‌های ناشناخته است. شما به آثاری که ده‌ها سال است خوانده می‌شود، نگاه کنید، در خواهید یافت که آن‌چه این آثار را برای شما جذاب کرده است و بوی کهنگی نمی‌گیرد، همانا گشودن ناشناخته‌های هستی به دست شاعران و نویسندگان است. این نویسندگان و شاعران دانسته‌های عمیق خود را برای همیشه به ما که در زمانه امروز زندگی می‌کنیم، واگذار می‌کنند.



۴

این شماره از چامه به ادیب و شاعر هشتاد ساله، سیدعلی موسوی گرمارودی اختصاص یافته است. شخصیت او را از چند جهت می‌توان بررسی کرد. آنچه در ذهن من بیشترین وجه را به خود اختصاص می‌دهد بهره‌گیری او از ادبیات کلاسیک ایران و عرب و به کاربری آن با زبانی نو و امروزی و دودیدگر وجه سیاسی ادیب و شاعری که در دهه اول انقلاب در کنار کار ادبی به امر سیاسی نیز اشتها داشت.

پذیرش مشاوری فرهنگی نخستین رئیس جمهور ایران پس از انقلاب اسلامی و سخنگویی دولت برای مدتی، رایزنی فرهنگی در تاجیکستان، شاعری را نشان می‌دهد که گرایش‌های سیاسی و اجتماعی بارزی را در طول حیات ادبی با خود به همراه داشته است.

سرودرگبار او را که در اواخر دهه پنجاه در انتشارات رواق به چاپ رسیده بود و در دهه شصت به دست ما رسید، نخستین مواجهه من با آثار او بود. نثر آراسته و پیراسته او نیز از جمله ویژگی‌هایی است که در نقدها و نظرها کمتر بدان پرداخته شده است.

در شماره آینده چامه که اسفند و فروردین منتشر خواهد شد، به زمانه، زندگی و آثار ابوتراب خسروی، نویسنده ساکن شیراز خواهیم پرداخت.

قرار دهیم، زیرا نوشته‌هایی که در مجله چاپ می‌شود، از صافی نظر کارشناسان عبور می‌کند و سپس به چاپ می‌رسد.

۳

آبان ۱۴۰۰ فرصتی فراهم آمد که به کشور رومانی و شهر بخارست سفر کنم. سفری شخصی که به دعوت دخترم و همسرش صورت گرفت.

از همان آغاز دغدغه این را داشتم که به هر صورتی که شده با شاعران و نویسندگان رومانی ارتباط برقرار کنم. خوشبختانه از طریق سفارت جمهوری اسلامی ایران در رومانی توانستم با دکتر آدلا چیرو، استادیار زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه بخارست به گفت و گو بنشینیم.

حاصل این گفت‌وگو به همراه چندین شعر و داستان از شاعران دیروز و امروز رومانی، پرونده‌ای را شکل داد که در پایان مجله ادبی چامه آمده است.

قرار شد در حد بضاعت بتوانیم بین فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف پلی باشیم و نقش اندکی را در ترویج و توسعه زبان و اندیشه ملت‌های مختلف ایفا کنیم. گشودن مرزهای ادبیات و دیگر کشورها به روی خوانندگان هدف اساسی این نگاه است.

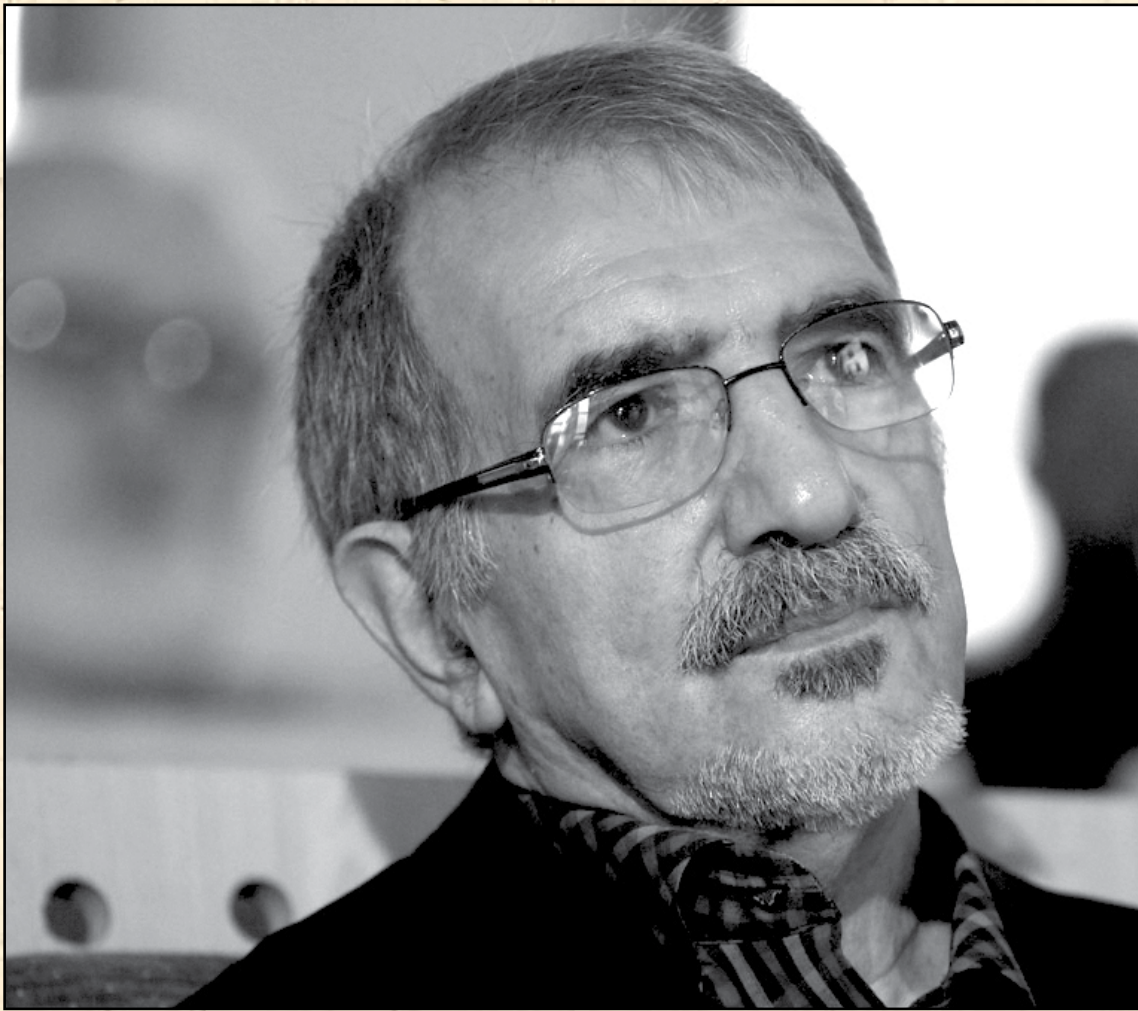


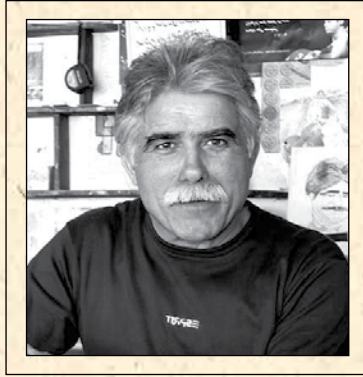
سال ۱۳۴۸ در مسابقه شعری مجله ادبی یغما به سردبیری مرحوم حبیب یغمایی، که به همت «حسینیه ارشاد» به مناسبت آغاز پانزدهمین قرن بعثت برگزار شده بود در زمینه «شعرنو» شرکت کردم و در این زمینه اول شدم.

در قالب شعر کهن، مرحوم استاد سید الشعرا امیری فیروز کوهی، مرحوم ریاضی یزدی و استاد عباس شهری، به ترتیب اول تا سوم شدند.

شعر من که در محور شکسته نیمایی سروده شده و منظومه‌ای ۱۶ صفحه‌ای بود، «خاستگاه نور» نام داشت و شهرت شعری من با آن آغاز شد.

پیش از آن با مرحوم زنده یاد آل احمد حشرو نشر داشتیم و آن بزرگ‌یاد، مرا بسیار تشویق می‌فرمود. نیز همسر ارجمندش خانم دکتر سیمین دانشور که بسیار مهربان بود





اکنایا

ساعت دیواری افتاد
رفت و رفت رسید به ساعت سازی آقا لطیف
گفت: عقربه‌هایم، عقربه‌ها را جا انداخت
باطری ام، باطری تازه گذاشت
برگشت روی دیوار، تیک تاک، تیک تاک
خیس عرق برخاستم، ساعت ۳ بود
کامیونی از روی خواب من گذشته بود!

آزیه

ملیحه می پرسد
قورباغه‌ها که این همه قوری قور می‌کنند
حتماً حرفی برای گفتن دارند
اگر زبان آنها را می‌فهمیدیم
محیط زیست نیست نمی‌شد
می‌گویم قوری در ترکی یعنی خشک
قوری قوری قور قور
ترجمه: ای بشر! حق غافل بشتاب، عجله کن
تالاب‌ها در حال خشکیدن هستند!

اعتقاد

«بی‌گناه پای چوبه‌دار می‌رود
اما بالای چوبه‌دار نمی‌رود»
چون بی‌گناه بود اعتقاد داشت
به این ضرب‌المثل
یک روز آمدند و او را به انفرادی بردند
ناراحت نشد
چون اعتقاد داشت به این ضرب‌المثل
فردا صبح خیلی زود بیدارش کردند
مراسم را به جا آوردند
اصلاً خودش را نباخت چون اعتقاد داشت
به این ضرب‌المثل
پای دیوار بردند از چوبه‌دار خبری نبود
تعجبی نکرد چون اعتقاد داشت
به این ضرب‌المثل
لحظاتی بعد تیرباران شد چون...



۲۰ شعر فرانو از اکبر اکسیر

تبار

مزرعه داری می‌کنم
وسط کویر لوت
انرژی خورشیدی می‌گیرم
برق حلال تولید می‌کنم
از برق، بیت کوین به دست می‌آورم
بیت کوین را می‌دهم
به چین چیان چون چانگ
شمع و فانوس و چراغ قوه و باطری
وارد می‌کنم
به همین راحتی، چشم‌تان کورا!

جهان بین

حافظ از شیراز خارج نشد قبول!
سعدی که همه اش خارج بود
یک روز در جزیره کیش یک روز در جامع دمشق
یک روز در بلخ بامیان یک روز در قاع بسیط!
در حیرتم چرا سری به تخت جمشید نزد
پاسارگاد را ندید از کوروش و داریوش نگفت
نکنند این‌ها، بعد از مشروطیت
اختراع شده اند!

بلاگردان

ستاره، ماه، خورشید...
در آسمان، زیبا هستند نه در زنگ جغرافی
من همیشه حرکت وضعی و انتقالی را قاطی
می‌کردم
هنوز هم که هنوز است نمی‌دانم
زمین به دور خورشید می‌گردد
یا من به دور ملیحه!!

پیش بینی

وزیر بهداشت: اسفند سختی در پیش است
کارشناس اقتصادی: روزهای سختی
در راه است
هواشناسی: سیلاب سختی در پیش است
کارشناس بورس: هفته سختی در راه است
پرسپولیس: بازی سختی در پیش است
اتحادیه مرغ: کمبود سختی در راه است
تمام سختی‌ها یا در راهند یا در پیش
پس فعلاً راحت بخوابیم!

واقعا که

من معتقدم
بد بودن خیلی سخت است
برای بد بودن باید خیلی عذاب کشید
خیلی دروغ گفت
شب و روز جنگید
در عوض خوب بودن بسیار آسان است
اصلاً زحمتی ندارد
مثل سلام کردن
کتاب خواندن، درخت کاشتن
و پیاده روی با ملیحه!

شکار

گنجشک‌ها برعکس آدم‌ها
هیچ چیزی را قیمت نمی‌کنند
هر چه می‌بینند برمی‌دارند و می‌خورند
دانه نبود با تکه نانی یا حشره‌ای سیر می‌شوند
آدم‌ها اما هرگز سیر نمی‌شوند
گرسنه شدند به درخت شلیک می‌کنند
گنجشک‌ها می‌ریزند و گربه‌ها شروع می‌شوند
چراغ قوه و تفنگ بادی شوخی کشیقی ست!

مثنوی

طوطی جان، من بازرگان نیستم
من یک شاعرم
خودت را به مردن زن
من داستان طوطی و بازرگان را بلدم
سال‌ها برای بچه‌ها درس داده‌ام
راحت باش. از شاعران نترس
شاعران فقط آمده‌اند
قفس‌ها را قابل تحمل کنند!

اجابت

زن گفت: آدم، سگ باشد مادر نباشد
مرد گفت: آدم، خر باشد پدر نباشد
دعای هردو مستجاب شد
یک روز بعد
زن سگ شد و دمی تکان داد
و مرد برای همیشه خر شد!

دربی

در تنهایی به استقلال فکر می‌کنم
عرفان که می‌آید به پیروزی می‌رسم
ایثار از شهرداری آستارا از پیوس می‌گوید
از آغاز پایان دسته یک
از شهرداری، از دسته چک
ملیحه در حالیکه پیراهن قوز پوشیده
می‌گوید: دهان بین نباش عزیزم
مرد باید استقلال داشته باشد
حدیث و لنا برای ملیحه کف می‌زنند!

مرازم

روز درختکاری من و ملیحه
ردیف به ردیف درخت کاشتیم
تبر با دسته گلی آمد
«تقدیم برای عرض تبریک»
درختان برای احترام
تا کمر خم شدند و افتادند!

واجب

بچه که بودم پدرم مرا از جن حمام می ترساند
- دیوار پشتهی نرو جن ها عصبانی می شوند
یک روز جرأت کردم تا ته حمام رفتم
جن های پشمالو گل بازی می کردند
پدر نیز در بین جن ها بود!
بعدها که امیر کبیر و حمام فین را شناختم
بیشتر ترسیدم
حالاً راضی ام ملیحه خانم
مرا به لباسشویی بیندازد
اما حمام بیرون نروم!

نجابت

وقتی حرفی برای گفتن نداریم
من و ملیحه کنار پنجره می رویم
و سر به سر شمعدانی های پاکوتاه می گذاریم
آنها می خندند و گل از گل شان می شکفد
و اصلاً به روی مان نمی آورند
هفته هاست که به آنها آب نداده ایم!

بو مادران

زن ها، اگر خم به ابرو بیاورند
آبروی ابرها می رود
باغها هاهاهاهاها می خشکند، کوبیر خزر، شکل
می گیرد
درخت و رود و پرند
به سمساری سرکوچه می روند
و شعر، مرثیه می شود
به قول ملیحه
اجازه بدهید مادران زمین
طبق معمول به مهربانی خود ادامه دهند

اتوپیا

کاش نفت نداشتیم آن وقت
سیستان و بلوچستان
گلستان و بوستان می شد
هرمزگان به تقلید از آنها، بهارستان
سعدی، جامی به مولوی می داد
نظامی سر می کشید
خیام مست می کرد
فردوسی سراز پانمی شناخت
شیراز پایتخت ایران بود
و حافظ می نشست بالای تنگه هرمز
درست وسط خلیج فارس
جای نفت
کشتی کشتی قند پارسی
صادر می کرد

آلودگی

سنگ پشت همان لاک پشت است
آنها از سنگینی بار، آرام آرام راه می روند
پشت سرهم، تخم می گذارند
پشت سرهم، توله در می آورند
پشت سرهم، به دریا می ریزند
پشت سرهم، بزرگ می شوند
و پشت سرهم می میرند!



داستان

| سهیلا رضا سلطانی | مرجان ظریفی |

| الهام جوادی فرد | عفت شبان آزاد |



داستان دو جوان عاشق - یکی یونانی و مسیحی و دیگری ترکی مسلمان - در قبرس که تاوان عاطفی سنگینی، حتی پس از مهاجرتشان به لندن، می پردازند.

از همان ابتدای داستان، شافاک ما را با ترکیب بی نظیر زیبایی و خشونت مواجه می سازد و روزی رابه تصویر می کشد که دو جسد گمشده در چاهی «به سوی تکه های آسمان بالای سرشنا می کنند و در نور منکسر خورشید می درخشند».

الیف شافاک، ص ۱۴۰





معرفی تبلیغ آگهی



دوماهنامه ادبی چامه

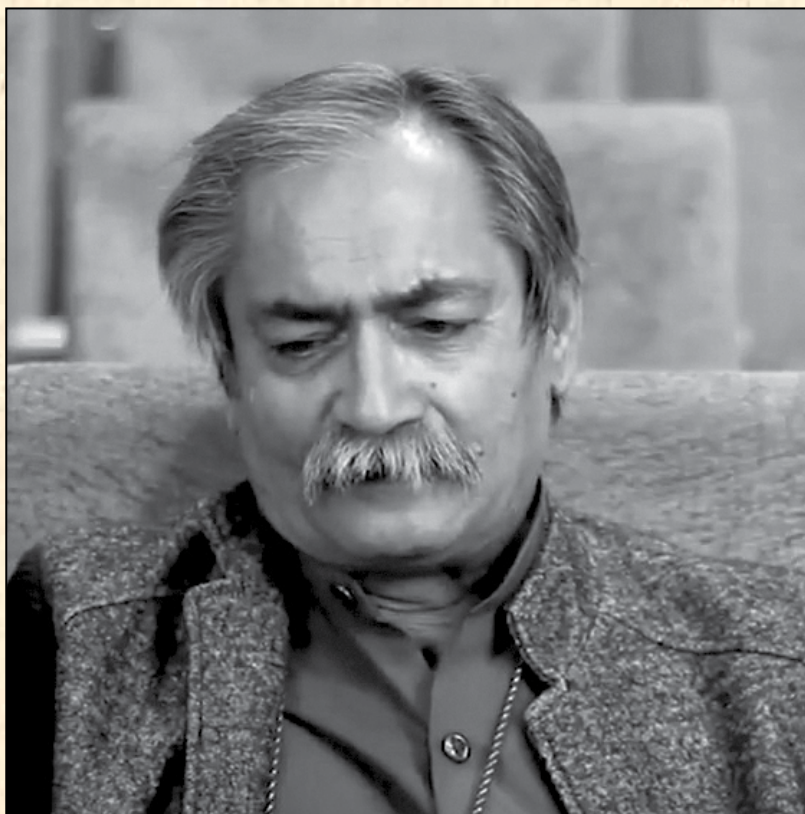
سال چهارم، شماره بیست و یکم

دی و بهمن ۱۴۰۰



شماره‌ی بیست و دوم مجله‌ی ادبی چامه (اسفند و فروردین ۱۴۰۰) ویژه‌نامه‌ای برای نویسنده گرامی **ابوتراب خسروی** خواهد بود. این ویژه‌نامه به دبیری احمد اکبرپور تهیه خواهد شد و با همکاری استادان و نویسندگان در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

chameh1397@gmail.com





Interview ▶ Story ▶ Poem

يموت ببط
من يتجنب الهوى
وزوبعة المشاعر
تلك التي تعيد البريق للعيون

بابلونيرودا

www.chamehmag.ir